



The Mediating Role of Marital Satisfaction in the Relationship between Basic Needs and Marital Commitment among Teachers

Nooshin Sabour Esmaeili^{*1}  Ali Rahmati Jami Mahmoodabadi²

1-Department of psychology, Kavian Institute of Higher Education. Mashhad, Iran

2-Department of psychology, Shandiz Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

ARTICLE INFO

Keywords:

Marital satisfaction

Basic needs

Marital commitment

ABSTRACT

The present study aimed to investigate the mediating role of marital satisfaction in the relationship between basic needs and marital commitment among teachers in Mashhad. The statistical population of the present study included 2000 married elementary school teachers in Mashhad, (1112 women and 888 men) who were working in the academic year 1401-1402. The sample size was 322 people selected using the proportional stratified sampling method based on the Kerejci and Morgan table (188 women, 134 men). The research tools included the Adams and Jones Marital Commitment Questionnaire (1997), Glasser's Basic Needs Questionnaire (1995), and Enrich's Marital Satisfaction Questionnaire (1982). SPSS22 and Smart PLS3 software were used to analyze the data of this study. The results showed that marital satisfaction plays a mediating role in the relationship between basic needs (and its components) and marital commitment. Considering the needs raised and the commitment of couples and the relationship of these needs with marital satisfaction and commitment, the aforementioned model can be used in the form of a training package to enrich couples' relationships in counseling clinics. the aforementioned model can be used in the form of a training package to enrich couples' relationships in counseling clinics.

* Corresponding Author: Nooshin Sabour Esmaeili
E-mail: nsaboer@kavian.ac.ir

<https://10.22034/jsm.2025.528452.1047>

Received: 5 June 2025; Revised: 19 June 2025; Accepted: 21 June 2025

Available online: 6 September 2025

How to Cite: Sabour Esmaeili, N. and rahmati jami mahmoodabadi, A. (2025). The Mediating Role of Marital Satisfaction in the Relationship between Basic Needs and Marital Commitment among Teachers. *Journal of Studies in Management, Psychology & Educational Sciences*, 4(1), 21-29.



نقش میانجی رضایت زناشویی در رابطه نیازهای اساسی با تعهد زناشویی در معلمان

نوشین صبور اسماعیلی*^۱ ID، علی رحمتی جامی محمودآبادی^۲

۱- گروه روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی کاویان، مشهد، ایران

۲- گروه روان‌شناسی، موسسه آموزش عالی شان‌دیز، مشهد، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی رضایت زناشویی در رابطه نیازهای اساسی با تعهد زناشویی در معلمان انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان متاهل مقطع ابتدایی شهر مشهد به تعداد ۲۰۰۰ نفر (۱۱۲ زن و ۸۸۸ مرد) می‌باشند که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به تدریس بودند. حجم نمونه آماری براساس جدول کرجسی-مورگان، ۳۲۲ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند (۱۸۸ نفر زن، ۱۳۴ نفر مرد). ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌ی تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، نیازهای اساسی گلاسر (۱۹۹۵) و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۲) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS22 و Smart PLS3 استفاده شد. نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که رضایت زناشویی نقش میانجی در رابطه نیازهای اساسی (و مولفه‌های آن) با تعهد زناشویی دارد. از مدل مذکور می‌توان در قالب یک بسته آموزشی جهت غنی‌سازی روابط زوجین در کلینیک‌های مشاوره می‌توان استفاده نمود.

واژگان کلیدی:

رضایت زناشویی
نیازهای اساسی
تعهد زناشویی

ملاک‌های عملکرد سالم نهاد خانواده است. مردان و زنانی که سطح بالایی از رضایت زناشویی را در رابطه با ازدواج خود تجربه می‌کنند، در پیش‌بینی احساسات و باورهای شریک زندگی خود بسیار دقیق هستند و ارزش‌ها و باورهای مشابهی را درباره میزان نزدیکی و صمیمیت بین خود حفظ می‌کنند (شریفی تاش، ۱۳۹۷). تعهد به همسر برای اکثر افراد پدیده‌ای مهم و ارزشمند می‌باشد و در فرهنگ اسلامی و ایرانی ما جایگاه ویژه‌ای دارد و یکی از معیارهای تداوم رابطه، سنجش میزان نیازهای اساسی زوجین و رضایت و خشنودی آنان است. باتوجه به اهمیت تعهد زناشویی، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا رضایت زناشویی نقش میانجی در رابطه نیازهای اساسی با تعهد زناشویی در بین معلمان مقطع ابتدایی دارد؟

مبانی نظری

معلمان نیروی جوان جامعه را تربیت می‌کنند و به‌عنوان موثرترین عامل در تحقق اهداف و برنامه‌های درسی و آموزشی مدرسه شناخته می‌شوند. به نظر می‌رسد یکی از عواملی که در ارتباط با کار معلمان است تعهد زناشویی می‌باشد (حشمتی، ۱۳۹۸). تعهد زناشویی به معنای وابستگی زوجین به یکدیگر و تمایل به حفظ طولانی‌مدت ازدواج اشاره دارد (آماتو، ۲۰۰۶). در راستای این تعریف کلی تعهد زناشویی مواردی چون رعایت هنجارهای زناشویی (هارمون^۸، ۲۰۰۵)، باور به ارزشمندی خانواده (جونز^۹، ۲۰۰۴)، التزام به مسئولیت‌پذیری (دی آنجلیس^{۱۰}، ۲۰۱۶؛ به نقل از علیزاده فرد و رازقی، ۱۴۰۰)، وفاداری به همسر و خانواده (نلسون، کرک، آن، سرس^{۱۱}، ۲۰۱۱)، احترام و اعتقاد به برابری حق همسر (تانگ و کوران^{۱۲}، ۲۰۱۳) و تلاش برای حفظ رابطه زناشویی (گلدنبرگ^{۱۳}، ۲۰۱۶) را در بر می‌گیرد. آدامز و جونز (۱۹۹۷) تعهد زناشویی را بر مبنای سه اصل رضایت زناشویی^{۱۴}؛ احساس وظیفه جهت ادامه دادن به رابطه و وحشت از پیامدهای ناگوار پایان دادن به ازدواج دانسته‌اند. جانسون^{۱۵} نیز، تعهد زناشویی را شامل سه بعد تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری می‌کند (شاکرمی، زهراکار و محسن زاده، ۱۳۹۳) که در آن تعهد شخصی به معنای علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی است و این تعهد منعکس‌کننده تلقی‌های فرد نسبت به شریک زندگی و رابطه‌اش و همین‌طور میزان اهمیت رابطه برای هویت فرد است (شاکرمی و همکاران، ۱۳۹۳). تعهد اخلاقی به‌عنوان یکی دیگر از ابعاد تعهد زناشویی نشان‌دهنده میزان احساس تعهد فرد به ادامه رابطه است. ارزش‌ها و باورهای بنیادین فرد درباره‌ی مسیر رفتار صحیح در رابطه، بر محوریت تعهد اخلاقی قرار دارد (نلسون و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۱). تعهد ساختاری نیز به این معناست که فرد احساس می‌کند به‌دلیل عوامل خارجی باید در رابطه باقی بماند (تانگ و کوران^{۱۷}،

خانواده ارزشمندترین و اثربخش‌ترین نهاد جامعه است و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی فارغ از تاثیر خانواده نیست. در واقع می‌توان ازدواج را یکی از اساسی‌ترین تصمیم‌گیری‌های فرد در زندگی او و متعهد ماندن به این عهد و پیمان از حساس‌ترین مسائل بین زوجین دانست (رحمانی، ۱۳۹۹). مطالعات نشان داده است سطح پایین تعهد زناشویی^۱ منجر به عدم رضایت زوجین و جدایی می‌گردد (علیزاده و رزاقی، ۱۴۰۰؛ جودکی، ۱۴۰۱؛ جانفراو، جورجو مانگ^۲، ۲۰۱۴). تعهد یکی از سه رکن اساسی ازدواج موفق است. بدون تعهد رابطه زناشویی به سمت وسوی جدایی خواهد رفت و زوجین نخواهند توانست عشق و صمیمیتی که نتیجه وفاداری و تعهد به همسر و ازدواج است را تجربه کنند (مرادی، ۱۴۰۲). در خانواده‌های متعهد اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند، بلکه در رشد و تعالی هریک از اعضای آن می‌کوشند و موجب حفظ و بقای ارتباط در زندگی زوجین می‌شوند. اما زوجینی که در مورد تعهد خود در قبال همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده و رفتاری دوسوگرانه را تعقیب می‌کنند، در ازدواج و کارکردن با دیگران دچار مشکل خواهند شد (علیزاده و رزاقی، ۱۴۰۰). برخی معتقدند تعهد زناشویی می‌تواند به‌عنوان عملکرد رضایت بخش زندگی زوجین درک و تفسیر شود (هو، جیانگ و وانگ^۳، ۲۰۱۹).

نیازهای اساسی^۴ یکی از عوامل مهم در پیش‌بینی تعهد زناشویی در زوجین است (صمصامی، ۱۴۰۰). در صورت برآورده نشدن این نیازها به احتمال زیاد زمینه و آمادگی مشکلات روان‌شناختی و اختلافات زناشویی در افراد بوجود می‌آید (کوسایورک^۵، ۲۰۱۲). تحقیقات نشان داده که ارضاء نیازهای بنیادین و دل‌بستگی می‌تواند بر انگیزه و سازگاری (دسی و همکاران، ۲۰۰۱)، خشنودی، اشتیاق و تعهد (وندن بروک^۶ و همکاران، ۲۰۱۰)، شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی تاثیر معنی‌داری داشته باشد. شیوه‌ی زندگی همسران هنگامی که منطبق هم باشد نیازهایی که افراد احساس می‌کنند و نوع ارضا آنها نیز منطبق می‌شود و در نتیجه زوجین اختلافات و تعارضات کمتری تجربه می‌کنند که منجر به صمیمیت می‌شود. اگر همسران نیازهای خود را بیان نکنند و به آنها پی نبرند و به راه‌حل مناسبی برای برآورده شدن نیازهایشان نرسند، استرس زیاد، ناکامی، خشم و در نهایت منجر به جدایی و طلاق می‌شود (صمصامی، ۱۴۰۰).

رضایت زناشویی^۷، یکی دیگر از متغیرهای مهم در حوزه خانواده است که در حفظ تعادل زندگی و جو عاطفی، برقراری سلامت روانی اعضای خانواده، مصونیت بیشتر در برابر بیماری‌ها و ایمنی فیزیولوژیکی، کاهش افسردگی و احساس تنهایی، مقابله با فشارهای زندگی، داشتن عملکرد مناسب در زندگی و تعامل با فرزندان مؤثر است (کرمی، ۱۳۹۶). رضایت زناشویی، یکی از

8 Harmon

9 Jones

10 Deangelis

11 Nelson, Kirk, Ane, Serres

12 Tang, Curran

13 Goldberg

14 marital satisfaction

15 Johnson

16 Nelson

17 Tang & Curran

1 marital commitment

2Janfravo, Gurcho Mang

3 Hou, Jiang, Wang

4 basic needs

5 Kosayev

6 Vanden Brook

7 marital satisfaction

شوته و مالوف^{۱۱} (۲۰۲۱)، در پژوهشی نشان داد که از طریق ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادی می‌توان میزان کیفیت زندگی زناشویی و سلامت افراد را ارتقا داد. صمصامی (۱۴۰۰)، به بررسی رابطه نیازهای اساسی و سبک‌های عشق‌ورزی با تعارضات زناشویی در زنان متأهل پرداخت. نتایج نشان داد که بین نیازهای اساسی و سبک‌های عشق‌ورزی با تعارضات زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. فیضی‌زاد حسنی (۱۴۰۱)، پژوهشی با هدف بررسی نقش نیاز به امنیت و تمایز یافتگی خود در پیش‌بینی تعهد زناشویی و رضایت جنسی زنان متأهل انجام دادند. براساس یافته‌های این پژوهش نیاز به امنیت و تمایز یافتگی خود می‌تواند تعهد زناشویی و رضایت جنسی زنان متأهل را پیش‌بینی کنند. فتاحی (۱۳۹۹) نیز معتقد است نیازهای اساسی روان‌شناختی زوجین، نحوه مدیریت تعارض و میزان صمیمیت جنسی، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده فرسودگی زناشویی باشند. همچنین در پژوهشی وزیر (۱۳۹۴) نشان داد که عشق و دلپستگی نیاز به تقویت رضایت زناشویی دارد. در پژوهشی که توسط فری و ویلهایت^{۱۲} انجام شد، نیاز به آزادی با تمایل به حفظ زندگی به دور از هر نوع فشار و محدودیت و ترجیحات شخصی مرتبط است (فری و ویلهایت، ۲۰۰۵؛ گلاسر ۲۰۱۰). در تحقیقی که توسط سلطانی‌فر، آدینه‌پور و همکاران (۱۳۹۷) بر روی رابطه بین ارضای نیازهای اساسی و کیفیت زندگی آنان انجام شد مشخص شد که ارضای نیازهای اساسی می‌تواند باعث افزایش کیفیت زندگی شود.

از طرفی براساس یافته‌های دین، کوکلین و لیچ^{۱۳} رضایت زناشویی به‌عنوان احساس شخصی از شادی یا لذت و شادی همسران می‌تواند با نیازهای اساسی و تعهد زناشویی رابطه معنی‌داری داشته باشد. رضایت زناشویی می‌تواند انعکاسی از میزان شادی افراد از روابط زناشویی و یا ترکیبی از خشنود بودن به‌واسطه بسیاری از عوامل مختص رابطه زناشویی باشد (احمدی، نبی‌پور، کیمیایی و افضل؛ ۲۰۱۰). رضایت زناشویی شامل موضوعات مختلفی همچون درک متقابل زن و شوهر از رفتار و ویژگی‌های یکدیگر، نگرش آنها نسبت به نقش ارتباط در زندگی زناشویی، نحوه حل تعارضات و کشمکش‌ها، میزان رضایت از اداره مالی خانواده، توافق در نحوه استفاده از اوقات فراغت، خشنودی از روابط جنسی و عاطفی، توافق درباره داشتن فرزند و درک واقع‌گرایانه از تاثیر فرزندان بر روابط زناشویی، هماهنگی احساسات و علائق مربوط به دوستان و آشنایان، رضایت از نقش‌های مختلف زناشویی و اعتقادات و اعمال مذهبی در زندگی زناشویی است (تبریزی، ۲۰۰۹؛ به نقل از محمدی‌زاده، ۱۳۹۵). رضایت زناشویی در واقع نگرشی مثبت و لذت‌بخش است که زن و شوهر به جنبه‌های مختلف زندگی زناشویی دارند. در واقع میزان رضایت زناشویی در هر یک از مراحل چرخه زندگی خانوادگی متفاوت است (جانسون و آمانو، ۲۰۰۱). رضایت از زندگی زناشویی از عوامل بسیار مهم در زندگی است که باعث می‌شود زوجین آرامش را در زندگی یافته و با آرامش و رضایت آنها، فرزندان نیز در خانواده به‌خوبی تربیت شده و آثار آن را در جامعه از خود نشان دهند. نتایج مطالعات انجام شده تاییدکننده رابطه مستقیم بین تعهد زناشویی با رضایت زناشویی می‌باشد (هو،

۲۰۱۲). از تعهد زناشویی به‌عنوان قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی نام برده می‌شود (هو، جیانگ و وانگ، ۲۰۱۹). واژه تعهد و پایبندی به‌معنای تصمیمی عقلانی است که مستلزم مقیدبودن فرد به اعمال خاصی است و یا حالتی دال بر وابستگی عقلانی یا عاطفی به ایده‌آلی مطلوب است. جانفراو، جورجو مانگ (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان داده‌اند که عدم جذابیت‌های جنسی همسران و نداشتن تعهد به یکدیگر از عوامل خیانت زناشویی است. همچنین نتایج پژوهش‌های بشارت و رفیع زاده (۱۳۹۵) بیانگر آن بود که تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی با رضایت جنسی و سازگاری زناشویی رابطه مثبت معنی‌داری دارد. شاه حسینی، صیادی و طاهری (۱۳۹۸) نیز نشان داد که بین تعهد زناشویی و کیفیت روابط زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

یکی از عواملی که بیشترین سهم را در پیش‌بینی تعهد زناشویی دارد، نیازهای اساسی روان‌شناختی می‌باشد (زارع، تقوی و افلاک سیر، ۱۴۰۲). نیازها رفتار را نیرومند و آن را کنترل می‌کنند. طبق نظریه انتخاب^۱ گلاسر، هرآنچه از ما سر می‌زند رفتار است و تمام رفتارها معطوف به یک هدف هستند و هدف هر رفتار ارضای یکی از نیازهای روان‌شناختی ما شامل نیاز به بقا، عشق و احساس تعلق^۲، قدرت و ارزشمندی^۳، آزادی^۴ و تفریح^۵ است. همچنین نحوه برآورده شدن نیازهای هر فرد متفاوت است (گلاسر، ۱۹۹۸). نیاز به بقا به‌عنوان نیازهای فیزیولوژیکی مانند داشتن سرپناه ایمن تعریف شده است (فری و ویلهایت^۶، ۲۰۰۵؛ گلاسر و گلاسر، ۲۰۱۰). نیاز به عشق و احساس تعلق به‌عنوان جهت‌گیری ذاتی داشتن پیوندهای عاطفی با دیگران و جستجوی احساس صمیمیت و وابستگی، به‌ویژه با افراد نزدیک مانند اعضای خانواده، دوستان یا شریک عاطفی تعریف می‌شود (پترسون^۸، ۲۰۰۸). نیاز به قدرت، میل به تقویت توانایی‌ها و منابع شخصی برای احساس عزت، لیاقت و شایستگی و دستیابی به هویت موفقیت در زندگی اشاره دارد (گلاسر، ۲۰۰۲). نیاز به آزادی با میل به حفظ زندگی به دور از هر نوع فشار و محدودیت و ترجیحات شخصی با اراده آزاد مرتبط است (فری و ویلهایت، ۲۰۰۵؛ گلاسر، ۲۰۱۰). نیاز به تفریح به‌عنوان میل به تجربه‌های خوشایند در زندگی مانند بازی کردن، دنبال کردن، شوخ طبعی، داشتن سرگرمی‌های لذت‌بخش و استراحت برای مدت طولانی تعریف می‌شود (فری و ویلهایت، ۲۰۰۵). به‌عبارتی هدف اصلی نظریه انتخاب آموزش به زوجین برای آگاهی از نیازهای اساسی^۹ خود و همسرشان و تلاش برای داشتن انتخاب‌های مناسب‌تر است (براون و استوارت^{۱۰}، ۲۰۰۵؛ به نقل از کرمی، ۱۳۹۸). گلاسر همچنین معتقد است قدرت هر نیاز در بدو تولد ثابت است و تغییری نمی‌کند (گلاسر و گلاسر، ۲۰۱۰).

- 1 Choice theory
- 2 Survive
- 3 love and belonging
- 4 Power
- 5 Freedom
- 6 Fun
- 7 Frey & Wilhite
- 8 Peterson
- 9 Basic needs
- 10 Brown & Stuart

11 Schutte, Malouff

12 Frey & Wilhite

13 Dinh, Cooklin & Leach

که پنج نیاز شامل نیاز به بقا (۱ تا ۷)، عشق و احساس تعلق (۸ تا ۱۴)، قدرت (۱۵ تا ۲۱)، آزادی (۲۲ تا ۲۸) و تفریح (۲۹ تا ۳۵) را می‌سنجد. هدف این آزمون ارزیابی شدت نیازهای اساسی فرد بر مبنای تئوری انتخاب است. این مقیاس دارای ۷ عنوان برای ۵ نیاز اساسی است و هریک از عنوان‌ها بر اساس مقیاس لیکرت (بسیار کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، بسیار زیاد=۵) است. بنابراین به هر یک از سوال‌ها نمره ۱ تا ۵ اختصاص می‌یابد و نمره‌ی هر یک از خرده مقیاس‌ها از ۷ تا ۳۵ در نوسان است که ۷ به معنای عدم ارضای نیاز و ۳۵ به معنای ارضا شدن نیاز است (برنز و همکاران، ۲۰۰۶). ضریب آلفای کرونباخ برای ۳۵ عنوان مقیاس ۰/۹۲ گزارش گردید و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب عبارت است از: ۰/۷۱ برای بقا، ۰/۶۹ برای عشق و احساس تعلق، ۰/۶۹ برای قدرت، ۰/۷۵ برای آزادی و ۰/۷۱ برای تفریح. پایایی بازآزمایی برای کل آزمون ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب عبارتند از: ۰/۴۴ برای بقا، ۰/۴۸ برای عشق و احساس تعلق، ۰/۶۱ برای قدرت، ۰/۶۴ برای آزادی و ۰/۶۴ برای تفریح (فحجی، رضاپور و یاقوتی آذر، ۱۳۸۹). میزان پایایی پرسشنامه نیازهای اساسی گلاسر در این پژوهش با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹ بدست آمد که نشان می‌دهد این پرسشنامه از پایایی مورد قبولی برخوردار است و امکان تعمیم‌پذیری را در جامعه مورد مطالعه دارد.

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۲)

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (فرم کوتاه) به‌عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در تحقیقات متعددی جهت سنجش رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. نسخه اصلی آزمون دارای ۱۱۵ سوال است که شامل ابعاد و موضوعات شخصیتی، ارتباطات، حل تعارض، جهت‌گیری مذهبی و معنوی می‌باشد. باتوجه به طولانی بودن سوالات مقیاس، فرم‌های متعددی از آن استخراج شده است. اولین بار اولسون، فرم ۱۱۵ سؤالی آن را معرفی نمود و سپس فرم ۴۷ سؤالی آن ساخته شد (اولسون و فورور، ۱۹۹۳؛ به نقل از محمودی، ۱۳۹۸) و در اواخر، فرم ۲۵ سؤالی آن ایجاد گردید. پرسشنامه به‌صورت ۵ گزینه‌ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) در نظر گرفته شده است. کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف، که به هر گزینه آن از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود. جهت نمره‌گذاری مقیاس نمرات فرد در تمامی ۴۵ ماده مطابق امتیازات درج‌شده در داخل جدول پرسشنامه جمع‌شده که نشان‌دهنده نمره رضایت کلی می‌باشد. حیدری (۱۳۸۷) نیز برای اعتباریابی پرسشنامه رضایت زناشویی، آن را با نمرات استرس همبسته کرد و یک رابطه منفی معنادار ($I = -0.30$) در سطح $P < 0.001$ به‌دست آورد که نشان‌دهنده اعتبار مطلوب این پرسشنامه است (به نقل از موحدی و همکاران، ۱۳۹۳).

یافته‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی و برای پاسخ‌گویی به سوال تحقیق از مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار SPSS22 و Smart PLS3 استفاده شده است. جهت

جیانگ، وانگ، ۲۰۱۹). باتوجه به عوامل ذکر شده، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که آیا رضایت زناشویی نقش میانجی در رابطه نیازهای اساسی با تعهد زناشویی دارد؟

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس هدف پژوهش، از نوع پژوهش‌های کاربردی است و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های پیمایشی است. روش اجرای این پژوهش توصیفی می‌باشد و چون در آن رابطه بین متغیرها مورد مطالعه قرار می‌گیرد، از نوع همبستگی و از لحاظ زمانی، مقطعی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان متاهل مقطع ابتدایی که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در شهر مشهد مشغول به کار بودند و بنابر اعلام اداره آموزش و پرورش شهر مشهد تعداد آنها ۲۰۰۰ نفر (۱۱۲ زن و ۸۸۸ مرد) بود. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان، ۳۲۲ نفر مشخص شد که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی و بر حسب تعداد (۱۸۸ نفر زن، ۱۳۴ نفر مرد) از بین معلمان متاهل انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش حاضر عبارتند از:

پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)

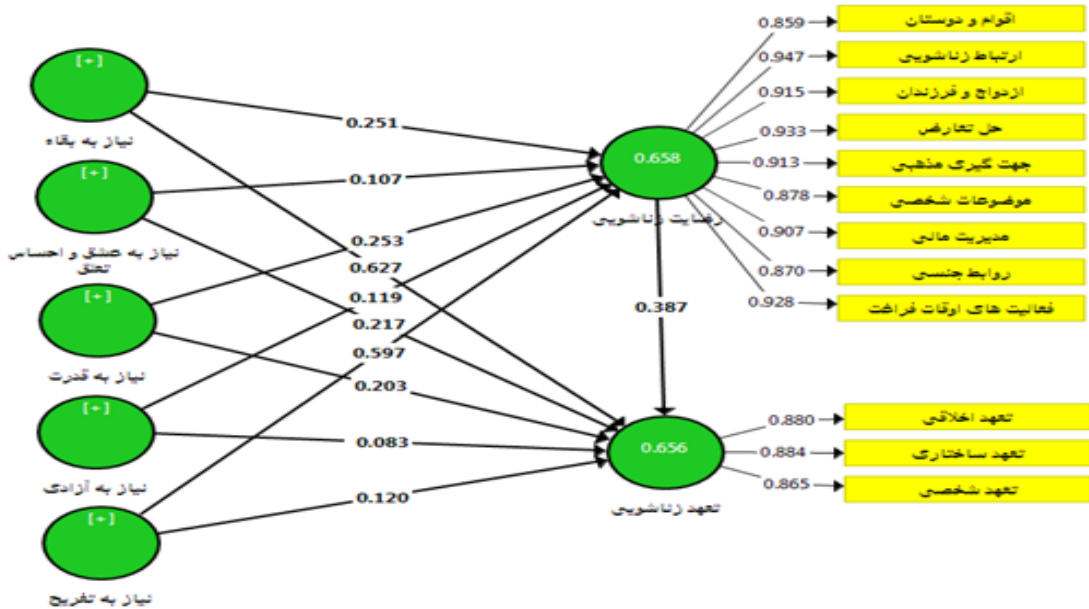
پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز دارای ۴۴ سوال است که میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را بررسی می‌کند. این پرسشنامه سه بعد تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری را اندازه‌گیری می‌کند (عباسی مولید، ۱۳۹۰) و توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) تهیه گردیده است. پاسخنامه سوالات این آزمون توسط یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت به صورت: کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم تدوین گردیده است که به هر گزینه نمره‌ای بین ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. در این پرسشنامه سوالات ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۴۴ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند؛ یعنی در این سوال‌ها گزینه کاملاً موافقم نمره ۱ و گزینه کاملاً مخالفم نمره ۵ می‌گیرد. سوالات ۱ تا ۱۰ مربوط به تعهد شخصی، سوالات ۱۱ تا ۲۲ مربوط به تعهد اخلاقی و سوالات ۲۳ تا ۴۴ مربوط به تعهد ساختاری هستند. نمرات این آزمون بین ۱ تا ۱۷۲ نمره است. نمره آزمون از جمع نمرات خرده مقیاس‌ها بدست می‌آید که نمره بالاتر نشان‌دهنده تعهد زناشویی بیشتر است. آدامز و جونز (۱۹۹۷) میزان پایایی هریک از مقیاس‌های این آزمون را بر روی نمونه‌های مذکور به شرح زیر بدست آوردند: تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶ و پایایی کل این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند (عباسی مولید، ۱۳۹۰). در مطالعه‌ای مقدماتی نیز که توسط عباسی مولید (۱۳۹۱) انجام شد، روایی محتوایی این آزمون مورد تایید قرار گرفت و پایایی کل پرسشنامه نیز به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش شد.

پرسشنامه نیازهای اساسی گلاسر (۱۹۹۵)

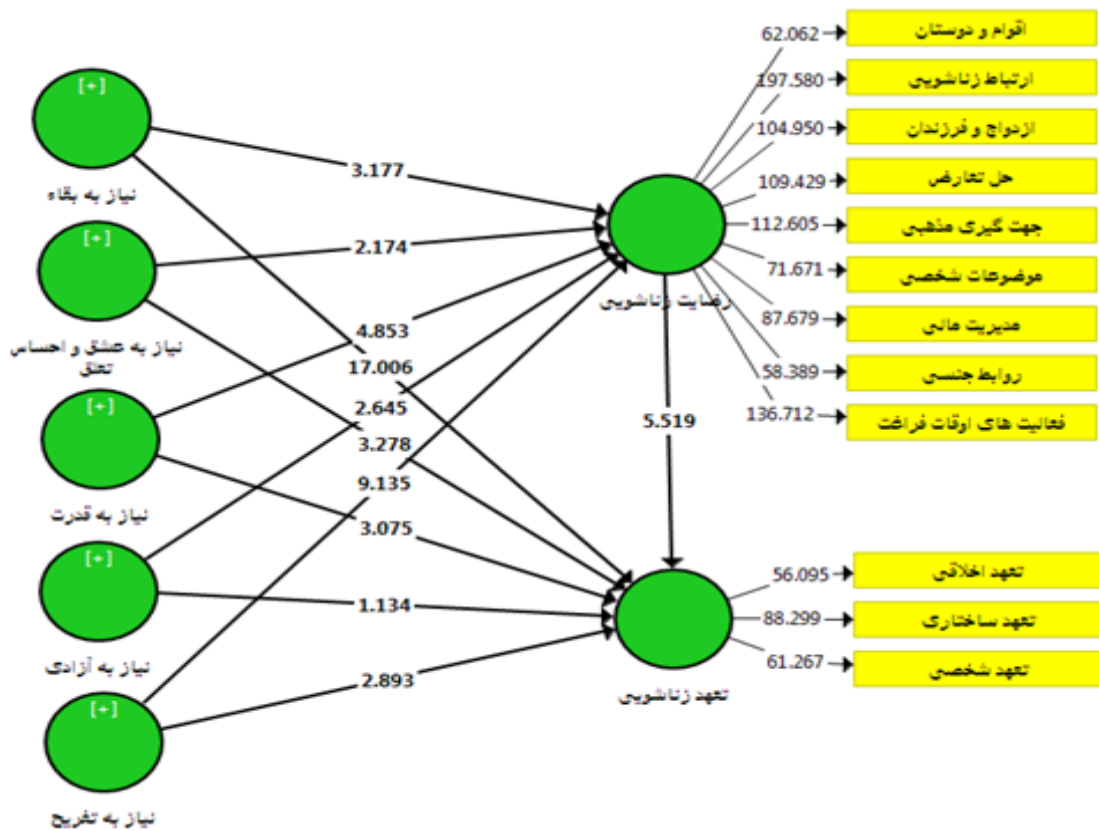
پرسشنامه نیازهای اساسی گلاسر، یک ابزار مبتنی بر روش خودگزارشی است که برای ارزیابی شدت نیازهای اساسی افراد بر مبنای تئوری انتخاب است. این پرسشنامه دارای ۳۵ سوال است

بررسی برازش مدل تحقیق، با داده‌های جمع‌آوری شده استفاده گردیده است. اعداد نوشته شده بر روی مسیرها ضرایب مسیر را نمایش می‌دهد.

بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، آزمون تحلیل عاملی تأییدی جهت تأیید روایی سوالات و مشخص‌سازی عوامل کلیدی هر مولفه و از فن مدل‌یابی معادلات ساختاری جهت



شکل ۱. ضرایب مسیر استاندارد مدل مفهومی پژوهش



شکل ۲. نتایج آزمون تی-استیوننت برای بررسی معناداری ضرایب مسیر

جدول ۲. مقادیر Q^2 متغیرهای تحقیق

ردیف	متغیر	Q^2
۱	تعهد زناشویی	۰/۴۵۵
۲	رضایت زناشویی	۰/۴۹۳

معیار GOF

شاخص دیگری که برای برازش توسط تنن هاوس و همکاران (۵۰۵) معرفی شده است، ملاک کلی برازش (GOF) است که با محاسبه میانگین هندسی میانگین اشتراک و به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$GOF = \sqrt{\text{communality} \times R^2}$$

این شاخص نیز همانند شاخص‌های برازش مدل لیزرل عمل می‌کند و بین صفر تا یک قرار دارد و مقادیر نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند. البته باید توجه داشت این شاخص همانند شاخص‌های مبتنی برخی دو در مدل‌های لیزرل به بررسی میزان برازش مدل نظری با داده‌های گردآوری شده نمی‌پردازد. بلکه توانایی پیش‌بینی کلی مدل را مورد بررسی قرار می‌دهد و اینکه آیا مدل آزمون شده در پیش‌بینی متغیرهای مکنون درون‌زا موفق بوده است یا نه.

نتایج برازش کلی مدل با معیار GOF نشان داد که مقدار میانگین مقادیر اشتراکی (۰/۴۴۴) (Communalities) میانگین مقادیر R^2 برابر ۰/۶۵۷ بدست آمده است و باتوجه به فرمول، مقدار معیار GOF معادل ۰/۵۵۱ بدست آمد که بزرگ‌تر از مقدار ملاک ۰/۳ بوده و نشان از توان مناسب مدل در پیش‌بینی متغیر مکنون درون‌زای مدل دارد. ضرایب مسیر و نتایج مربوط به معناداری آنها در جدول زیر داده شده است.

برای آزمون معناداری ضرایب مسیر با استفاده از روش بوت استراپ^۱ مقادیر آزمون تی-استیودنت محاسبه شده است. مقادیر آزمون تی-استیودنت اگر مقداری بزرگتر از ۱/۹۶ باشد، ضریب مسیر در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

بررسی کفایت مدل معیار R^2

معیار R^2 مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زای (وابسته) مدل است. معیاری است که نشان از تاثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می‌شود. مقدار R^2 در جدول زیر تقریباً مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌سازد.

جدول ۱. مقادیر R^2 متغیرهای تحقیق

ردیف	متغیر	R^2
۱	تعهد زناشویی	۰/۶۵۶
۲	رضایت زناشویی	۰/۶۵۸

معیار Q^2

معیار Q^2 قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌کند و در صورتی که مقدار آن در مورد یک سازه درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را کسب نماید، به‌ترتیب نشان از قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه یا سازه‌های برون‌زای مربوط به آن را دارد. مقدار در جدول زیر نشان از قدرت پیش‌بینی مناسب مدل در خصوص سازه‌های درون‌زای پژوهش دارد و برازش مناسب مدل ساختاری را تأیید می‌سازد.

جدول ۳. نتایج حاصل از ارزیابی مدل ساختاری

ردیف	مسیر	ضریب مسیر (β)	عدد معنی‌داری (t-value)	نتیجه آزمون
۱	نیاز به بقا ← رضایت زناشویی	۰/۲۵۱	۳/۱۷۷	تایید
۲	عشق و احساس تعلق ← رضایت زناشویی	۰/۱۰۷	۲/۱۷۴	تایید
۳	قدرت ← رضایت زناشویی	۰/۲۵۳	۴/۸۵۳	تایید
۴	آزادی ← رضایت زناشویی	۰/۱۱۹	۲/۶۴۵	تایید
۵	تفریح ← رضایت زناشویی	۰/۵۹۷	۹/۱۳۵	تایید
۶	نیاز به بقا ← تعهد زناشویی	۰/۶۲۷	۱۷/۰۰۶	تایید
۷	عشق و احساس تعلق ← تعهد زناشویی	۰/۲۱۷	۳/۲۷۸	تایید
۸	قدرت ← تعهد زناشویی	۰/۲۰۳	۳/۰۷۵	تایید
۹	آزادی ← تعهد زناشویی	۰/۱۸۳	۲/۱۳۴	تایید
۱۰	تفریح ← تعهد زناشویی	۰/۱۲۰	۲/۸۹۳	تایید
۱۱	رضایت زناشویی ← تعهد زناشویی	۰/۳۸۷	۵/۵۱۹	تایید

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد رضایت زناشویی نقش میانجی در رابطه نیازهای اساسی با تعهد زناشویی دارد. یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعات زارع و همکاران (۱۴۰۲)، فیضی‌زاد حسنیو (۱۴۰۱)، مهشیدی و همکاران (۱۴۰۰)، فکری علی بابالو (۱۳۹۹)، پارسایی (۱۳۹۹)، بزازیان و همکاران (۱۳۹۷)، رشید و همکاران (۲۰۲۱)، جبرارد و همکاران (۲۰۱۸) همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که رابطه‌ی زناشویی باید براساس تعهد، اطمینان و احترام متقابل شکل گیرد؛ که در این امر عواملی همانند توجه به نیازهای اساسی نیز دخالت دارند. وقتی فرد از نیازهای اساسی همسر خود آگاهی داشته باشد به تأمین نیازهای او اهتمام می‌ورزد و انتظارات نابجا و نیازهای کاذب کاهش می‌یابد و سطح رضایت‌مندی هر دو از رابطه مشترک بیشتر می‌شود. اگر زوجین در زندگی مشترک نیازها و خواسته‌های خود را بیان نکنند و تلاشی برای رفع مشکلاتشان نکنند؛ طولی نمی‌کشد که با کوهی از مشکلات مواجه می‌شوند. در این صورت دلایل بی‌تعهدی رابطه زناشویی زیاد می‌شود. از طرفی وقتی شخص در زندگی زناشویی نیازهای اساسی‌اش برطرف نشود شرایط آزارنده‌ای به وجود می‌آید که به تدریج کیفیت رابطه زوجین را به‌طور معناداری کاهش می‌دهد. همزمان با کاهش کیفیت رابطه زناشویی تعهد کاهش می‌یابد (بزازیان و همکاران، ۱۳۹۷). رضایت زناشویی محصول کارکرد و کارآمدی زوجین و کیفیت رابطه میان همسران است. به‌بیان دیگر فردی که از زندگی زناشویی خویش ناراحت، ناراضی و عصبانی است، به احتمال بیشتری آماده است که بی‌تعهدی خود را در زندگی زناشویی، به دلایل مختلف خود توجیه کند. بنابراین وقتی روابط زناشویی از تعامل و تبادل عاطفی، فکری و عقلی برای برطرف کردن نیازهای اساسی یکدیگر برخوردار باشد و در کل پاسخگوی نیازهای فرد در زندگی زناشویی باشد زمینه دست‌یابی به تعهد در زوجین را فراهم می‌آورد.

زمانی که فردی احساس کند که نیازهایش ارضا شده است، رضایت و تعهد بیشتری را تجربه می‌کند و پاسخ‌های سازگارانه‌تری را برای حل مشکلات به‌کار می‌گیرد. به علاوه، احساس تعلق، ارتقای بخش شکل‌های مختلف رفتارهایی مانند کمک‌کردن و همکاری به قصد سود رساندن و تعهد است که باعث ارتقاء روابط زوجین نیز می‌شود (پاوی، گریتمیر و اسپارکس، ۲۰۱۱). افرادی که در روابطی قرار دارند که ارضاکنده‌ی نیاز بنیادین آنها است، بیشتر خواهان ابزار احساسات خود هستند و با سهولت بیشتر به حمایت همسر خود می‌پردازند و تعهد بیشتری را نشان می‌دهند. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که ارضای نیازهای اساسی خودمختاری، شایستگی و تعلق در افراد بتواند بر روابط زناشویی تأثیر مثبت داشته باشد و از طریق رضایت زناشویی زوجین در افزایش تعهد زناشویی مؤثر باشد. این پژوهش نیز مانند پژوهش‌های دیگر محدودیت‌هایی دارد. نخست محدود بودن جامعه آماری به معلمان مقطع ابتدایی شهر مشهد است، لذا در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها باید احتیاط شود. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش ابزار پژوهش است. استفاده از روش‌های دیگر جمع‌آوری اطلاعات در کنار پرسشنامه که ابزاری خودگزارشی است می‌تواند مانع سوگیری شود. همچنین توجه به اینکه پژوهش حاضر غیرعلی است، استنتاج نتایج علت و

معلولی با محدودیت همراه است.

باتوجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود در دوره‌های آموزشی بخصوص مشاوره‌های پیش از ازدواج، در زمینه نیازهای بنیادین زوجین آموزش‌هایی در نظر گرفته شود که این امر می‌تواند سطح تعهد و احساس رضایت زوجین را تقویت کند. در پایان لازم است تا از همه افرادی که در این پژوهش ما را یاری کردند، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری نماییم.

منابع

- بزازیان، سعیده؛ محمدی، ذبیح‌اله‌خان؛ امیری مجد، مجتبی و قمری، محمد. (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای عملکرد خانواده در رابطه‌ی بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی و تعهد زناشویی. *دوفصلنامه روان‌شناسی معاصر*، ۱۳ (۲)، ۱۵۸-۱۶۸.
- بشارت، محمدعلی و رفیع‌زاده، بهار. (۱۳۹۵). پیش‌بینی سطوح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی بر اساس متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی. *روان‌شناسی خانواده*، ۳۱ (۱)، ۳۱-۴۶.
- جودکی، الناز. (۱۴۰۱). بررسی ارتباط بین رضایت زناشویی و تعهد زناشویی با نقش واسطه‌ای صمیمیت جنسی در در زوجین، چهارمین کنگره ملی انجمن علمی روان‌شناسی خانواده ایران با عنوان: ازدواج موفق و فرزندپروری سالم.
- حشمتی، فاطمه. (۱۳۹۹). بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری و رضایت جنسی با تعهد زناشویی در معلمان زن متأهل منطقه رضویه شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. موسسه آموزش عالی شان‌دیز.
- زارع، مینا؛ تقوی، محمدرضا و افلاک سیر، عبدالعزیز. (۱۴۰۲). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس سبک‌های حل تعارض زوجین، شفقت خود و ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۱۴ (۵۰)، ۱-۳۶.
- سلطانی‌فر، عاطفه؛ آدینه‌پور، موسی‌الرضا؛ برهانی، مهدیه و ضیائی، ملیحه. (۱۳۹۷). رابطه‌ی بین میزان برآورده شدن نیازها (بر اساس نظریه‌ی انتخاب) با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی معنادان تحت درمان، *مجله اصول بهداشت روانی*، ۲۰ (۴)، ۲۷۱-۲۷۷.
- شاکرمی، محمد؛ زهراکار، کیانوش و محسن‌زاده، فرشاد. (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض در رابطه‌ی بین تحریف‌های شناختی بین فردی و رضایت جنسی با تعهد زناشویی. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۸ (۲)، ۵۱-۶۰.
- شاه‌حسینی، تازیک؛ سعید، صیادی؛ معصومه و طاهری، نجمه. (۱۳۹۸). تعهد زناشویی و کیفیت ارتباط در زوجین بارور و نابارور. *افق دانش*، ۲۵ (۳)، ۱۹۷-۱۸۴.
- صمصامی، محبوبه. (۱۴۰۰). بررسی رابطه نیازهای اساسی و سبک‌های عشق‌ورزی با تعارضات زناشویی در زنان متأهل در شهر مشهد در سال ۱۴۰۰. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. موسسه آموزش عالی حکمت رضوی.
- فتاحی، الهام. (۱۳۹۹). پیش‌بینی فرسودگی زناشویی بر اساس نیازهای اساسی روان‌شناختی، سبک‌های حل تعارض و صمیمیت جنسی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه هرمزگان.
- فکری علی بابالو، عظیم. (۱۳۹۹). نقش نیازهای بنیادین زوجین و دلبستگی دوره بزرگسالی در پیش‌بینی حس پیوستگی و تعهد زوجین. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- فیضی‌زاد حسنیو، شادی. (۱۴۰۱). بررسی نقش نیاز به امنیت و تمایز یافتگی خود در پیش‌بینی تعهد زناشویی و رضایت جنسی زنان متأهل. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه محقق اردبیلی.

couples. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 43(8), 720-735.

Hou, Y., Jiang, F. and Wang, X. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International Journal of Psychology*, 54, 369-376.

Harmon, D. K. (2009). Black men and marriage: The impact of spirituality, religiosity, and marital commitment on marital satisfaction. The University of Alabama.

Jeanfreau, M. M., Jurich, A. P., & Mong, M. D. (2014). An examination of potential attractions of women's marital infidelity. *Journal of Family Therapy*, 42 (1), 14-28.

Jones, W. H. (2004). A psychometric exploration of marital satisfaction and commitment. *Journal of Social Behavior and Personality*, 10(4), 923-32.

Nelson, J.A., Kirk, A.M., Ane, P. & Serres, S.A. (2011). Religious and Spiritual Values and moral Commitment in Marriage: Untapped Resources in Couples Counseling. *Journal of Counseling and Values*, 55, 228-246.

Pavey, I., Greitmeyer, T., & Sparks, P. (2011). Highlighting relatedness promotes prosocial motives and behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 37(7), 905-917.

Rasheed A, Amr A, Fahad N. (2021). Investigating the Relationship between Emotional Divorce, Marital Expectations, and Self-Efficacy among Wives in Saudi Arabia. *Journal of Divorce and Remarriage*, 62 (1), 19-40.

Strenberg, R, J. (1997). Construct Validation of a triangular love scale. *European Journal of Social Psychology*, 27, 313-335.

Schutte, N.S., Malouff, J.M. (2021). Basic Psychological Need Satisfaction, Affect and Mental Health. *Current Psychology*, 40, 1228-1233.

Tang, Curran M.A. (2012). Marital Commitment and Perceptions of Fairness in Household Chores. *Journal of Family Issues*, 1-25.

عباسی مولید، حسین. (۱۳۹۱). رابطه تعهد زناشویی با ارزش‌های فرهنگی زوجین: مطالعه موردی استان خراسان جنوبی. نشریه دانش انتظامی خراسان جنوبی، ۱، ۷-۱۲.

علیزاده فرد، سوسن و رزاقی، مریم. (۱۴۰۰). بررسی مدل ساختاری رابطه رضایت زناشویی با بنیان‌های شناختی-اخلاقی و تعهد زناشویی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۲(۴۷)، ۲۸۲-۲۵۹.

کریمی، مریم. (۱۳۹۸). پیش‌بینی قصه‌های عشق و سبک‌های عشق ورزی از روی نیازهای اساسی گلاسر و طرحواره‌های ناسازگار اولیه. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه خوارزمی.

گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت. (۱۳۹۶). خانواده درمانی. ترجمه‌ی حمیدرضا حسین‌شاهی‌پرواتی، سیامک نقش‌بندی و الهام ارجمند. چاپ نوزدهم. تهران: ارسباران.

میلیان، عاطفه؛ دیاریان، محمدمسعود و یوسفی، زهرا. (۱۴۰۰). پیش‌بینی کیفیت رابطه زناشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، نیازهای گلاسر و پذیرش خویشتن. روان‌شناسی کاربردی، ۱۵(۴) (پیاپی ۶۰). ۲۳۲ - ۲۰۷.

محمدی‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۵). تبیین نقش واسطه‌گری رضایت زناشویی در رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و شادکامی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

محمودی، زهرا. (۱۳۹۸). بررسی نقش تعدیل‌کننده تعهد زناشویی در رابطه بین ادراک فداکاری خود و رضایت زناشویی در افراد متاهل شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.

مehشیدی، آناهیتا؛ حسن‌زاده، رمضان و اسدی، جوانشیر. (۱۳۹۷). مدل‌یابی روابط بین خشم با تعهد زناشویی و با میانجی‌گری نیازهای بنیادی روان‌شناختی در زنان شاغل. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۱(۵)، ۴۳۸۱-۴۳۶۹.

مرادی، فاطمه. (۱۴۰۲). نقش تعهد و مسئولیت‌پذیری در رضایت و سازگاری زناشویی، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در علوم انسانی، اقتصاد، مدیریت و حسابداری.

وزیری، مژده. (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوج‌ها براساس نیازهای اساسی آن‌ها. رویش روان‌شناسی، ۴(۳)، ۸۷-۹۶.

Amoto, P.R. (2008). Continuity and change in marital quality between 1980 and 2006. *Journal of Marriage and Family*. 1-23.

Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: an integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(5), 1177.

Ahmadi, K., Nabipoor, S. M., Kimiaee, S. A., & Afzali, M. H. (2010). Effect of family problem-solving on marital satisfaction. *Journal of Applied Science*, 10(8), 682-687.

Frey, L. M., & Wilhite, K. (2005). Our Five Basic Needs Application for Understanding the Function of Behavior. *Intervention in School and Clinic*, 40 (3), 156-16.

Glasser W, Glasser C. (2010). Getting together and staying together: solving the mystery of marriage. New York: Harper Collins; 48-64.

Glasser, W. (2001). Counseling with choice theory: The new reality therapy. Harper Collins.

Girard, A., & Woolley, SR. (2018). Using emotionally focused therapy to treat sexual desire discrepancy in